



از سالن تاسطر

کمدی از نمایش تادآوری

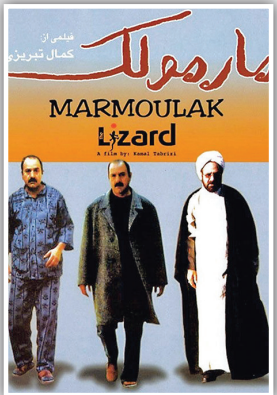


احسان طهماسبی

در طول ادوار مختلف جشنواره فیلم فجر و در زمان اکران فیلم‌هایی در ژانر کمدی (به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین موتورهای ارتباطی سینما با مخاطب عام) پیش‌آمد وضعیتی دوگانه در سالن و سطر، محتمل و موردانتظار بوده است. بر مبنای این گزاره صحیح که «اغلب فیلم‌های کمدی نمایش داده در جشنواره (به‌ویژه در یک دهه گذشته) فاقد استانداردهای لازم برای دآوری و نقد بوده‌اند» می‌توان به‌عنوان یک اصل تانوشته اما قابل اثبات به رویکرد ثابتی در مواجهه با این آثار رسید. پر تماشاگر در سالن، کم اعتبار در سطر. در واقع از همان نخستین سال‌های برگزاری جشنواره فیلم فجر، کمدی‌ها در حاشیه رقابت اصلی قرار گرفته بودند و داوران سهم ناچیزی از جوایز را به این گروه از فیلم‌ها اختصاص می‌دادند.

از این‌رو در سال‌های اخیر نیز که معمولاً حضور کمدی‌ها به قصد ایجاد تنوع ژانری در جشنواره فجر بوده است، مخاطبان شاهد سالن‌های پر تماشاگر و صف‌های طولانی در سانس‌های اکران این فیلم‌ها بوده‌اند و در مقابل و در تضاد با این استقبال عمومی، اکثریت این آثار به‌عنوان فیلم‌هایی حاوی شوخی‌های مقطعی و فیلمنامه‌هایی کم‌مایه، بانگاهی تقلیل‌گرایانه در حاشیه یادداشت‌های مطبوعاتی باقی ماندند و کمتر وارد منون نقد سینمایی شدند، هر چند که این رویکرد، در مواجهه با آثاری همچون «مارمولک» و «لبلی با من است» (کمال تبریزی) که فراتر از شوخی‌های موقعیت‌محور به نقد اجتماعی‌تر زدیک‌تر شدند و برخلاف بسیاری از آثار مشابه، حاوی لایه‌هایی معنایی بودند، دچار تغییراتی شد و با ستایشی محدود و بدون تبدیل شدن به یک رویکرد پایدار، مورد توجه برخی منتقدان و داوران قرار گرفتند.

ناید این نکته را فراموش کرد که بنا به تجربه چندین ساله سینمای ایران در تولید و اکران فیلم‌های کمدی و براساس دلایل اشاره شده، کمدی در این سینما همواره «تماشاگر داشته» اما «عبار نه».



مستانه یگانه

ژاکلین بی. فراست در کتاب خواندنی «فیلمبرداری برای کارگردانان» می‌نویسد: «کارگردان صاحب دید و چشم‌اندازی است که بازیگران و گروه تولید را در مسیر خلاقانه‌ای تا تکمیل یک فیلم هدایت می‌کند. آنچه معمولاً روی پرده دیده می‌شود، برداشت و تفسیر او از فیلمنامه است. کارگردان‌ها داستان‌ها پیش‌را با تصویر روایت می‌کنند و هدفشان این است که احساسات تماشاگر را هدایت کنند و برای دو یا سه ساعت، توجه و تخیل او را درگیر نگه دارند.... اما کارگردان برای ساختن تصاویری که ماروی پرده می‌بینیم، به تنهایی کار نمی‌کند. افراد با استعداد زیادی در تحقق دیدگاه خلاقانه او نقش دارند و یکی از نزدیک‌ترین همکارانش کسی

نوشتن با دوربین

نسل جدیدی از مدیران فیلمبرداری در فجر ۴۴

است که با نورپردازی و کار با دوربین، ظاهر بصری فیلم را خلق می‌کند: فیلمبردار که با عنوان مدیر فیلمبرداری نیز شناخته می‌شود. «جان کلام اینکه، مدیر فیلمبرداری به کارگردان کمک می‌کند که بسا دوربین چیزی را که می‌خواهد بگوید، بنویسد. فیلمبرداران باسابقه، همچون کارگردانان نسل‌های قدیمی‌تر سینمای ایران، در جشنواره امسال غایبند: از محمود کلاری و علیرضا زرین‌دست تا توریج منصوری و حسین جعفریان. اما نسل‌های بعد از آنها حضوری پررنگ پشت دوربین داشته‌اند تا به کمک کارگردانان اغلب جوانی بیابند که در حال برداشتن نخستین گام‌هایشان در سینمای حرفه‌ای هستند.

نام برخی از این مدیران فیلمبرداری جشنواره امسال را در این گزارش مرور کرده‌ایم.

«بیلپورد» محمد فکوری

محمد فکوری متولد ۱۳۵۶ او اهل ارومیه است. او تقریباً یک دهه پیش جایزه بهترین فیلمبرداری نوزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم بروکلین آمریکا را برای فیلم سینمایی «میچی» (کشتی‌بان) برد. جز این، او از جشنواره‌هایی مثل رویش، فیلم کوتاه تهران و تولیدات مراکز استانی حوزه هنری جایزه برده است. از متاخرترین فیلم‌هایی که فکوری پشت دوربینش بوده باید به «در آغوش درخت» اشاره کرد که نماهایش برای برخی چشم‌نواز بود. او امسال با «بیلپورد» آمد تا بغشت را در جشنواره بیازماید.

«جانشین» سعید براتی

سعید براتی کی‌کم دارد متخصص فیلمبرداری فیلم‌های جنگی می‌شود که نیازها و الزامات خاص فیلمبرداری نوزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم بروکلین آمریکا را برای فیلم سینمایی «میچی» (کشتی‌بان) برد. جز این، او از جشنواره‌هایی مثل رویش، فیلم کوتاه تهران و تولیدات مراکز استانی حوزه هنری جایزه برده است. از متاخرترین فیلم‌هایی که فکوری پشت دوربینش بوده باید به «در آغوش درخت» اشاره کرد که نماهایش برای برخی چشم‌نواز بود. او امسال با «بیلپورد» آمد تا بغشت را در جشنواره بیازماید.

«سرزمین فرشته‌ها» علیرضا برانزنده

علیرضا برانزنده از شاگردان حسین جعفریان است که از سال ۱۳۸۸ کارش را در سینما با «هفت دقیقه تا بیز» (علیرضا امینی) آغاز کرد و تا امروز فیلم‌های کوتاه تجربه کار داشته و به رد نامش در تولیدات انجمن سینمای جوان چندی‌باری بر خوردم. در وب‌سایت انجمن خواندیم که آرمین یوسف‌زاده برای فیلمبرداری فیلم کوتاه «هفته» اثر مانا پاک‌سرشت بهترین فیلمبرداری بخش کوتاه جشنواره فیلم‌های مستقل مادرید شده است.

مسعود کیمیایی
زرین‌دست
در پشت صحنه
فیلم «خط قرمز»
به نمایش
درآمده در اولین
دوره جشنواره
فیلم فجر

«حاشیه» سیدمحمد رضا سجادیان

در باره محمد رضا سجادیان در وب‌سایت فیلم‌های جنگی می‌شود که نیازها و الزامات خاص فیلمبرداری نوزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم بروکلین آمریکا را برای فیلم سینمایی «میچی» (کشتی‌بان) برد. جز این، او از جشنواره‌هایی مثل رویش، فیلم کوتاه تهران و تولیدات مراکز استانی حوزه هنری جایزه برده است. از متاخرترین فیلم‌هایی که فکوری پشت دوربینش بوده باید به «در آغوش درخت» اشاره کرد که نماهایش برای برخی چشم‌نواز بود. او امسال با «بیلپورد» آمد تا بغشت را در جشنواره بیازماید.

«قایق سواری در تهران» آرمان فیاض

آرمان فیاض متولد ۱۳۶۱ در لاهیجان است و به‌گفته صفحه ویکی‌پدیا پیش‌لاوه بر مدیریت دقیقه تا بیز» (علیرضا امینی) آغاز کرد و تا امروز فیلم‌های کوتاه تجربه کارگردان هم‌ست. فیاض در چهلمین دوره جشنواره فیلم فجر شده است و از اوایل دهه ۱۳۹۰ به‌عنوان مدیر برای فیلم «برف آخر» (امیرحسین عسگری) شد. فیلمی که بعد از تماشایش، حتی اگر چیزی از آن در ذهن تماشاگر نماند، سفیدی برف را فراموش نمی‌کند. «کت چرمی»، «برانزنده از دام تا کمدی»، «فیلم معمای ناز اف‌ها» و «آنتیک» دیگر کارهای او هستند.

داروش مهرجویی و محمود کلاری
در پشت صحنه فیلم «درخت گلابی» به نمایش درآمده
در شانزدهمین جشنواره فیلم فجر



«خواب» مسعود سلامی

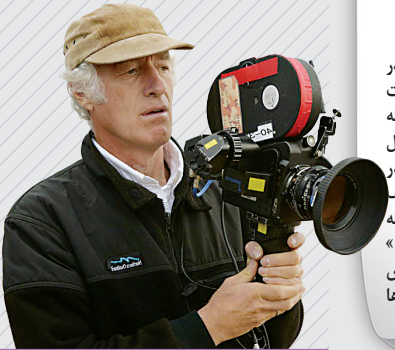
یکی از باسابقه‌ترین فیلمبرداران حاضر در جشنواره است که تا به حال هبار نامزد دریافت سیمرغ شده، اما اقبالش آنقدر بلند نبوده که همای سعادت روی شانه‌اش بنشیند. از سال ۱۳۸۲ تا ۱۴۰۴ سال است که بی‌وقفه در پروژه‌های مختلف حضور داشته و در کشف زبان بصری کارگردانان مختلف مشارکت داشته است. فیلمبرداری سیاه و سفید «خفگی» فریدون جیرانی نام سلامی را تقریباً بعد از بیش از یک دهه کار مستمر در سینما بر سر زبان‌ها انداخت، اما خیلی غیرمنتظره از رسیدن به سیمرغ برای این فیلم بازماند.

«کافه سلطان» مسعود امینی تیرانی

مسعود امینی تیرانی با تماشایش به حضور در فیلم‌های کوچک و مستقل به یاد آورده می‌شود. او که یکی از مدیران فیلمبرداری با تجربه حاضر در فجر امسال است، متولد ۱۳۵۰ است و از اوایل دهه ۱۳۹۰ به‌عنوان مدیر فیلمبرداری در سینمای بلند کارش را آغاز کرده اما پیش از آن در فیلم‌های کوتاه بسیاری پشت دوربین ایستاده بود. از کارهای شاخص امینی تیرانی در سینما می‌توان به «۳ فیلم دور از خانه» (مجید برزگر)، «دشت خاموش» (احمد بهرامی) و «سه روز و سه قتل» (به کارگردانی خودش) اشاره کرد.

با قلبت فیلمبرداری کن

راچر دیکنز، فیلمبردار برنده ۲ جایزه اسکار می‌گوید: «دفعه اول که فیلمنامه را می‌خوانم، می‌بینم چه تأثیری روی من می‌گذارد و آیا چیزی در داستان هست که بتوانم با آن ارتباط بگیرم یا نه. دفعه اول اصلاً به شکل بصری فیلم فکر نمی‌کنم؛ البته تصویرها خودبه‌خود به ذهن می‌آیند، اما فیلمنامه را مثل کتاب می‌خوانم تا ببینم چه حسی در من ایجاد می‌کند. اینکه آیا حرفی برای گفتن دارد یا نه. دلیل ساختن این فیلم چیست، غیر از گرفتن پول مردم؟ اینکه کافی نیست. اگر خودم حاضر نباشم، برای دیدن این فیلم به سینما بروم، اصلاً نمی‌خواهم روی آن کار کنم. اگر این فیلم جایی در مجموعه دی‌وی‌دی‌های من نداشته باشد، باز هم نمی‌خواهم روی آن کار کنم. نکته دیگر این است که قرار است ۳ تا ماه از زندگیاات را صرف این فیلم کنی، پس باید به‌نوعی برایت معنا داشته باشد. من این کار را فقط به‌عنوان یک شغل انجام نمی‌دهم؛ چون بیش از حد سخت است. اگر به برخی از جوانانی که نامشان را در این گزارش آوردم بخواهم نصیحتی کنم، این حرف دیکنز بهترین توصیه است: روی فیلمی کار کن که قلبا دوستش داشته باشی.



Roger Deakins



«مارون» داوود محمدی

اطلاعات مربوط به سابقه داوود محمدی را در وب‌سایت «عمار یار» یافتیم: متولد ۱۳۶۰ در آبادان، او فعالیت خود را به‌عنوان نورپرداز آغاز کرد و نورپردازی آثاری همچون «خفگی» و «به وقت شام» را بر عهده داشته است. از دیگر آثاری که داوود در گروه فنی آنها مشارکت داشته می‌توان به «مارمولک»، «محمد رسول‌الله»، «خلیسی دور، خلیسی نزدیک»، «دشنه»، «نوبت لبلی» و «سال‌های دور از خانه» اشاره کرد. او برای فیلم کوتاه «دشنه» از جشنواره فیلم بمبئی جایزه گرفته است.

دیکته وزاویه

جشنواره‌ای که می‌خواست مردمی باشد

آیا سیمرغ مردمی
مهم‌ترین جایزه است؟



حافظ روحانی

در نشست خبری چهل و چهارمین دوره جشنواره «ملی» فجر، چندین بار به سیمرغ مردمی به‌عنوان مهم‌ترین جایزه جشنواره اشاره شد؛ جایزه‌ای که از زمان اضافه شدن به جشنواره فیلم فجر، هم جنجال آفرین بوده و هم مسبب دعواهای قدیمی میان فیلم‌ها و فیلمسازان جایزگیر و فیلم‌ها و فیلمسازان پرفروش شده که گاه برندگان سیمرغ مردمی آن را پهنای برای حمله به گروه اول تبدیل و محبوبیت مردمی را دلیل اصلی موفقیت خود عنوان کرده‌اند.

اما آنچه در نشست خبری این دوره اهمیت می‌یافت، تأکید بر این سیمرغ به‌عنوان مهم‌ترین جایزه جشنواره بود؛ عنوانی که هر چند اغراق‌آمیز می‌نماید اما از طرف دیگر هم قابل درک است؛ جایزه‌ای که قرار است مستقیم با رأی عمومی تماشاگران اهدا شود.

جشنواره فجر از ابتدای تأسیس تاکنون کوشیده تا در مرز میان یک جشنواره تخصصی و یک رویداد فرهنگی عمومی حرکت کند. اگر در طول دهه‌های اخیر جشنواره‌های بین‌المللی رقابتی که گاه الف‌خوانده می‌شوند، کوشیده‌اند تا جشنواره‌ها را به یک رویداد تخصصی مخصوص سینما تهیه کنندگان و پخش‌کنندگان تبدیل و سلیقه سینمایی خود را به بازار جهانی فیلم تحمیل کنند، جشنواره فجر مدام بر ریشه‌های محلی و خاستگاه ملی‌اش تأکید کرده است. حتی کوشش برای تفکیک جشنواره جهانی و تبدیل آن به یک جشنواره بین‌المللی رقابتی (الف) مخصوص جمع کوچک متخصصان سینما هم با تغییر دولت سرکوب شد تا جشنواره فجر همچنان به ریشه‌های «ملی» و خاستگاه محلی‌اش مفتخر باشد. سیمرغ مردمی انگار به‌عنوان بخشی از این سازوکار با مشارکت دادن تماشاگر عام، مانع از تخصصی شدن جشنواره می‌شود و آن را به همان خاستگاه‌های نخستینش برمی‌گرداند.

جشنواره‌های بین‌المللی رقابتی (الف) هم تماشاگران غیرمتخصص را با آغوش باز می‌پذیرند تا شاهد تالارهای مملو از تماشاگر باشند که بیش از هر چیز حامیان مالی جشنواره را خوشحال می‌کنند اما کمتر جشنواره‌ای را می‌توان یافت که اینگونه بر حضور تماشاگر عام تأکید و در برابر حضور متخصص حرفه‌ای محافظه‌کارانه رفتار کند. پس شاید بتوان از این منظر سیمرغ مردمی را مهم‌ترین جایزه جشنواره خواند.



روزنامه چهل و چهارمین
جشنواره بین‌المللی فیلم فجر

44th
FAJR INTERNATIONAL
FILM FESTIVAL
دوشنبه ۱۳ بهمن ۱۴۰۴ - شماره ۳